

بررسی میزان سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ایران، کود جزای افغانستان و معاهدات بین الملل

سید محمد مصباح^۱

چکیده

هر جامعه و ملتی برای پیشرفت و تمدن به اسباب و عوامل مختلفی، همانند عوامل اقتصادی، فرهنگی، علمی، انسانی و... نیازمند است. از میان همه این عوامل عامل و نیروی انسانی سالم و با اخلاق و قانون مدار برای رسیدن جامعه به هدف یاد شده سهم به سزایی دارد. از آنجا که جامعه از اقشار مختلف تشکیل شده است کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از ارکان و اقشار مهم جامعه، در سرنوشت آن دخالت تام و کامل دارند. بنابراین توجه به این قشر در تمام زمینه‌ها از جمله در موضوع قانونگذاری ضرورت انکارناپذیر است. نتایج موجود در تحقیق حاضر که با روش کتابخانه‌ای انجام یافته است عبارت است از: قانونگذار ایران در قانون مجازات جدید در پاسخ‌های کیفری به جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان با متابعت از کنوانسیون‌های بین‌المللی در موضوع اطفال و نوجوانان اقدام به وضع یک سلسله مقررات متناسب با وضع جسمی و روانی آنان نموده و با نگاه حمایتی و اصلاحی به آن‌ها نگرسته است. با وجود این، نگاه قانونگذار در جرائم حدی و قصاص نسبت به اطفال و نوجوانان حمایتی نبوده بلکه هم در نوع پاسخ‌های قانونی نسبت به جرائم حدی و قصاص اطفال - به جهت تعیین مجازات‌های شدید و سنگین مقرر در شرع- و هم در موضوع سن مسئولیت کیفری به موجب پذیرش مسئولیت دفعی و نیز به موجب پایین بودن سن مسئولیت کیفری در دختران، این نگاه غیرحمایتی و ناسازگار با قوانین و معاهدات بین‌الملل در خصوص صغار است. قانونگذار افغانستان نیز در کود جزا با آنکه در جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان همچون مقنن ایران با تعیین یک سری اقدامات مناسب اصلاحی و تربیتی و نیز بالا بردن حداقل سن مسئولیت کیفری اطفال، هماهنگی‌اش را با معاهدات بین‌المللی در موضوع اطفال و نوجوانان به نمایش گذاشته است. در حوزه جرائم موجب حد و قصاص اطفال و نوجوانان همچون قانونگذار ایران قائل به مسئولیت دفعی شده و در خصوص پاسخ‌های کیفری به این گونه جرائم نیز نظر فقه حنفی را که بسا قائل به کیفرهای سخت و سنگین بوده معیار قرار داده است و از این حیث وضع مشابه قانون مجازات جدید ایران را دارد.

کلید واژه‌ها: مسئولیت کیفری، طفل، نوجوان، حقوق ایران، حقوق افغانستان.

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان.

مقدمه

تعیین سن مناسب مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان از حیث انطباق با قوانین بین‌المللی، از سیاست‌های مهم و تأثیر گذار دولت و قوه مقننه در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان بوده و بیانگر نوع نگاه سیاست‌گذاران و قانونگذاران دولت‌ها به این قشر مهم و حساس جامعه است، زیرا در مجموع سن یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و کردار افراد انسانی بوده به گونه‌ای که افراد در هر دوره سنی از نظر ویژگی‌های روانی و جسمانی، دارای یک سلسله احکام و آثار حقوقی و جامعه‌شناختی متفاوتی هستند. سن، در جامعه‌شناسی که بر مبنای قالب زمانی مورد بحث قرار می‌گیرد مراحل مختلف جریان حیات انسان را در جامعه یا در یک محیط اجتماعی معین، مشخص می‌کند؛ سن در حقیقت «اندازه زمانی تاریخ اجتماعی فرد است» که بر حسب نوع جامعه معنا پیدا می‌کند. سن به لحاظ حقوقی متغیر مهمی است. (رجبی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵)

وضعیت حقوق و مسئولیت‌های افراد و پیامدهای آن در شاخه‌های مختلف حقوق بر اساس دوره‌های سنی تعریف می‌شود. (یزدانی علی آبادی، ۱۳۹۱: ۶۸)

بنابراین عدم دقت به لحاظ جنبه‌های مختلف علمی و واقعیت‌های عینی در تعیین سن مذکور چه بسا یک جامعه و ملت را از تمدن و پیشرفت باز داشته و موجب تضییع و پایمال شدن حقوق اطفال و نوجوانان و افتادن آن‌ها در ورطهٔ تبهکاری و منجلاب انحراف و کجروی گردد و در نتیجه این سرمایه‌های با ارزش جامعه را به نابودی سوق دهد. بدین جهت تعیین سن مسئولیت کیفری منطبق با قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و مطابق با واقعیات عینی و موافق با یافته‌های علوم جرم‌شناسی و روانشناسی و پزشکی و جامعه‌شناسی، از مهم‌ترین وظایف قانونگذاران در هر کشور و جامعه‌ای است به گونه‌ای که با دقت و تلاش در این زمینه اسباب پیشرفت و تعالی جامعه فراهم و به رفاه اجتماعی دست خواهد یافت. در تحقیق پیش رو به بررسی میزان انطباق سن مسئولیت کیفری در دو سند قانونی که بالفعل در دو کشور ایران و افغانستان نافذ و حاکم است، یعنی قانون مجازات اسلامی ایران و کود جزای افغانستان با قوانین و مقررات بین‌المللی پرداخته و آن را به

بحث گرفته‌ایم. در این میان تبیین برخی واژگان کلیدی همچون «بلوغ» و «مسئولیت کیفری» ضروری است.

۱. مفهوم بلوغ

۱.۱. ۱. معنای لغوی

واژه «بلوغ» چنان که فیومی آن را معنا می‌کند، به معنای مطلق رسیدن شیء به حد یا مرز معینی است. هنگامی که این واژه درباره انسان به کار می‌رود به معنای رسیدن فرد به حد احتلام و رشد جسمی و فکری است. (فیومی المقری، ۱۹۸۷: ۲۴) همین گونه «المعجم الوسیط» بلوغ را به معنای رسیدن شیئی به غایت خودش گرفته است؛ «بلغ الأمر» وصل الی غایته. یعنی فلان چیز به غایت و نهایتش رسید. و «بلغ الغلام» ادرك. طفل بالغ شد یعنی به حد رشد جسمی و عقلی رسید. فراهیدی نیز در «العین» واژه بلوغ را به معنای رسیدن دانسته است: «قال الضربیر: سمعتُ أبا عمرو يقول: البُلُغُ ما یبلُغُک من الخبر...» که به معنای رسیدن خبر دانسته است. (بستانی، بی تا: ۶۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۲۱) در حقیقت اهل لغت در معنای بلوغ با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

۱.۲. ۲. معانی اصطلاحی در فقه و حقوق

معنای فقهی واژه «بلوغ» به پایان رسیدن دوران کودکی و راه یافتن به جمع مکلفان است. چنانچه که فقها در تعریف آن گفته‌اند: «البلوغ اصطلاحاً الدخول الی سن التکلیف ای انتهاء حد الصغر و الوصول الی بدء التکلیف». (فتح الله، ۱۴۱۵: ۸۹) یعنی بلوغ در اصطلاح فقهاء عبارت است از داخل شدن به سن تکلیف و پایان یافتن کودکی.

صاحب جواهر در تعریف بلوغ چنین می‌آورد: «المراد بالبلوغ- الذی هو فی اللغه الإدراک- بلوغ الحلم، و الوصول الی حدّ النکاح بسبب تکوّن المنی فی البدن، و تحرک الشهوة، و النزوع الی الجماع و إنزال الماء الدافق». (مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۲: ۱/ ۵۵۸) مراد از بلوغ چنان که لغتاً به معنای ادراک است، رسیدن فرد به سن احتلام و سن ازدواج است، زیرا در این هنگام منی در بدن ساخته

و شهوت جنسی بیدار می‌شود. شخص میل به آمیزش پیدا می‌کند و انزال - منی - که منشأ پیدایش انسان است، صورت می‌گیرد.

واژه بلوغ در اصطلاح حقوقدانان چنانکه از گفتار دکتر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق استفاده می‌شود، عبارت است از:

رسیدن شخص به حدی از توانایی جسمی و فیزیکی که بتواند سود و زیانش را در انجام معاملات و داد و ستد تشخیص دهد، اما نشانه رشد نبوده بلکه آغاز تحول و رشد ذهنی و فکری است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲/ ۸۸۲)

۲. مفهوم لغوی «مسئولیت» و «کیفر»

«مسئولیت کیفری» اصطلاحی است که از دو واژه «مسئولیت» و «کیفر» ترکیب یافته است بنابراین لازم است معنای لغوی دو واژه یادشده را نیز تبیین نماییم.

۲.۱. مفهوم «مسئولیت» در لغت

«مسئولیت» در لغت از واژه مسئول و به معنای موظف بودن به انجام کاری است. (بندر ریگی، ۱۳۸۲: ۱/ ۸۸۵) و همچنین به معنای خود را در برابر قانون تسلیم دانستن و مورد سؤال و بازخواست قرار گرفتن آمده است. (اتابکی، ۱۳۹۱: ۲/ ۲۴۸۱) مفهوم دقیق‌تر این واژه مورد مؤاخذه قرار گرفتن در قبال تخلف یا قصور در انجام تعهد یا وظیفه است چنانچه در «المنجد» به آن اشاره شده است. لويس معلوف در فرهنگ مذکور مسئولیت را چنین معنا می‌کند: «المسئولیت ما یکون به الانسان مسئولاً و مطلباً عن امورٍ او أفعالٍ أتاها». (معلوف، ۱۳۶۲: ۳۱۶) مسئولیت به معنای مسئول بودن انسان در قبال چیزی و مورد مؤاخذه بودن وی در برابر اعمال و افعال خویش است.

۲.۲. مفهوم کیفر در لغت

«کیفر» یک واژه فارسی بوده و در خصوص معنای لغوی آن دو دیدگاه برای اهل ادب وجود دارد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/ ۱۸۸۳۳) برخی آن را مرادف با کلمه مجازات که یک واژه عربی است، می‌دانند و آن را مختص به پاداش بد می‌نمایند و

برخی دیگر مترادف این واژه را کلمه «جزا» که نزد عرب‌ها در مطلق پاداش (چه بد و ناگوار و چه خوب و گوارا) به کار می‌رود، می‌دانند، ولی می‌توان گفت که واژه «کیفر» مانند کلمه «مجازات» اختصاص به پاداش بد و ناخوشایند دارد و به همین معنا به کار می‌رود و در حقوق جزا نیز همین معنا از لفظ کیفر - اختصاص داشتن به استعمال در پاداش بد - مورد نظر است. پس کیفر همان معنای مجازات را دارد. بنابراین هنگامی که معانی مسئولیت و کیفر را کنار هم قرار می‌دهیم نتیجه حاصل از این ترکیب اثبات مسئولیت کیفری، صرفاً در «کیفر» و «مجازات» است. بدین جهت مسئولیت کیفری شامل اقدامات تأمینی و تربیتی با توجه به ماهیت و برخی از اهداف، و ویژگی‌هایی که دارد، نخواهد شد. در حالی که در قوانین جزایی بسیاری از کشورها برخورد دو گانه با جرایم وجود دارد، زیرا واکنش کشورهای یاد شده گاهی در قالب مجازات و گاهی به صورت اقدامات تأمینی و تربیتی ظاهر می‌شود، یعنی سیاست جنایی واحدی که با هدف پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرم هر دو نوع واکنش را در ساختار داخلی خود جای می‌دهد. از اینجا است که این کشورها باید اصطلاح عام‌تر از مسئولیت کیفری را (برای شمول اقدامات تأمینی و تربیتی در این سیاست جنایی واحد) به عنوان جایگزین مناسب و دقیق برای اصطلاح مسئولیت کیفری جستجو و انتخاب نمایند.

۳.۲. تعریف حقوقی مسئولیت کیفری

حقوق‌دانان تعاریف مختلفی از مسئولیت کیفری ارائه داده‌اند. برخی آن را این گونه تعریف نموده‌اند: «مسئولیت کیفری عبارت است از الزام یا تحمیل نمودن تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر وی». (سامی نیراوی، ۱۹۹۵م: ۲۱۷) برخی نیز آن را چنین تعریف نموده‌اند:

مسئولیت کیفری یعنی امکان انتساب فعل یا ترک فعلی منهی قانون به شخصی که مرتکب آن گردیده و قابلیت مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را داشته باشد. (نوربها، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

تعریف کامل و بدون خدشه مسئولیت کیفری عبارت است از:

توانایی فاعل نسبت به تحمّل نتایج اعمال مجرمانه خویش اعم از مجازات و اقدامات تأمینی با امکان انتساب فعل به وی و قابلیت برای مؤاخذه در برابر فعل و عمل مجرمانه که انجام داده است.

حال با توجه به تعریف بلوغ و مسئولیت کیفری به موضوع اصلی تحقیق یعنی بررسی سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) ایران و کود جزای افغانستان و میزان انطباق با قوانین بین‌الملل خواهیم پرداخت. بر این اساس در ابتدای بحث مان سن مسئولیت کیفری را از منظر اسناد بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳. سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در اسناد بین‌الملل

باید یادآور شد در اسناد بین‌الملل از جمله کنوانسیون حقوق کودک اعضا در تعیین سن مسئولیت کیفری دارای آزادی اراده و اختیار بوده و طبق قوانین داخلی خود می‌توانند سن یادشده را تعیین نمایند، اما برای کشورهایی که در این زمینه قوانین شان ساکت است، سن ۱۸ سالگی را به عنوان معیار و ملاک پیشنهاد می‌کند تا براساس این سن، در وضع قوانین برای کودکان و نوجوانان عمل نمایند. یعنی سن مسئولیت کیفری را که این اسناد پیشنهاد نموده است سن ۱۸ سالگی است.

اما اینکه چرا در اسناد و قوانین بین‌المللی اولاً سن و ثانیاً سن خاص مثل ۱۸ سال معیار برای تمایز کودک از بزرگ سال قرار داده شده است باید گفت فلسفه این کار می‌تواند این باشد که اولاً از اعمال سلیقه کشورها در این خصوص جلوگیری کند و ثانیاً برای تأمین هر چه بهتر مصلحت کودک، از واگذاری این مسئله به علم و رأی قضات ممانعت صورت گیرد، زیرا اگر معیار دیگری به جز این معیار برای تشخیص کودکی لحاظ می‌شد به دلیل متغییر بودن و عدم ثباتش نمی‌توانست هدف جامعه بین‌الملل را که تأمین هر چه بهتر مصالح کودک باشد، برآورده کند. بدین جهت معیار سنی ۱۸ سال را چون از ثبات برخوردار است ملاک عمل قرار داد. (عباسی سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۵-۴)

آنچه از اسناد بین‌الملل در زمینه سن مسئولیت کیفری استفاده می‌شود اتمام سن ۱۸ سال برای کودکان و نوجوانان است. آن‌گونه که از صراحت ماده یک کنوانسیون

حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ استفاده می‌گردد، منظور از کودک هر انسان کمتر از ۱۸ سال سن است مگر آنکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری تعیین شده باشد. در ماده دو مقاوله‌نامه ممنوعیت کار کودک و اقدام برای محو کردن بدترین اشکال کار کودک مصوب ۱۹۹۹ اصطلاح کودک را در مورد تمامی اشخاص زیر ۱۸ سال به کار می‌برد.

همچنین در بند الف ماده ۳۷ معاهده حقوق کودک مقرر شده است:

برای اطفال زیر ۱۸ سال نباید مجازات‌های سنگین (نظیر اعدام) و همچنین مجازات حبس ابد بدون امکان عفو و بخشودگی در نظر گرفت. (عباچی، ۱۳۸۰: ۳۱)

بنابراین معیار برای مسئولیت کیفری در اسناد و قوانین بین‌المللی اولاً سن و ثانیاً رسیدن به سن ۱۸ سالگی قرار داده شده است به گونه‌ای که فرد قبل از رسیدن به این سن قابل تعقیب کیفری نخواهد بود.

۴. سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ایران

قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی جدید -نسبت به جرائم موجب حد و قصاص- بر اساس معیار شرعی بلوغ در خصوص سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان مشی نموده است و اطفال نابالغ را فاقد مسئولیت کیفری قلمداد کرده است، زیرا در فصل دوم از کتاب اول، یکی از موانع مسئولیت کیفری را نابالغ بودن شخص معرفی می‌کند چنانچه مفاد ماده ۱۴۶ قانون یادشده گویا این مطلب است. قانونگذار در ماده ۱۴۷ به تعیین سن بلوغ که مناط مسئولیت کیفری قرار داده بود، می‌پردازد و آن را با تفکیک دو جنس، در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری تعیین می‌نماید. قانونگذار ایران در ماده ۱۴۸ قانون یاد شده برای جرائم افراد نابالغ اقدامات تأمینی را پیش بینی می‌کند و مقرر می‌کند: «در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود». همین‌گونه قانونگذار در این قانون برای جرائم تعزیری افراد زیر ۱۸ سال تمام شمسی

بر اساس سن و جرم ارتكبابی آنان اقدامات تأمینی و تربیتی را پیش بینی نموده است. چنانچه فصل دهم از كتاب اول را به این موضوع اختصاص داده است. بنابراین بحث را از جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان آغاز خواهیم کرد.

۴. ۱. سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرائم تعزیری

قانونگذار در فصل دهم قانون یادشده سعی می کند تا قوانین و مقررات بین المللی را در زمینه تخلفات اطفال و نوجوانان - در خصوص جرائم تعزیری - سرمشق قرار داده و تا حد امکان از آنها تبعیت کند. بر این اساس در این فصل قانونگذار اطفال و نوجوانان را به طور کلی به سه گروه سنی ۱ تا ۹ سال، ۹ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال تقسیم نموده است. اطفال زیر ۹ سال را چون به بلوغ و رشد فکری نرسیده‌اند فاقد مسئولیت کیفری حتی در جرائم تعزیری می‌داند. در ارتباط با رده سنی ۹ تا ۱۵ سال شمسی با توجه به شرایط خاص این گروه یک سلسله اقدامات تربیتی مناسب با این سن پیش بینی می‌کند چنانچه در ماده ۸۸ و بندها و تبصره‌های آن شاهد هستیم. قانونگذار در ماده یاد شده واکنش اجتماعی در برابر مرتکبان جرائم تعزیری نه تا پانزده سال را حسب مورد یکی از امور زیر پیش بینی می‌کند:

۱) تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی طفل و نوجوان با گرفتن تعهد نسبت به تربیت و مواظبت در تأدیب طفل و نوجوان به اخلاق نیکو.

در تبصره این بند به قاضی اطفال این امکان را می‌دهد که در صورت صلاح دید انجام برخی از امور را از والدین، ولی و سرپرست طفل و نوجوان خواسته و ملزم به ارائه نتیجه کار خواسته شده نماید. امور یاد شده عبارت‌اند از:

۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان؛

۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی؛

۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک؛

۴. جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص

دادگاه؛

۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل های معین.

ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند «ا» در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانون طفل با نوجوان و یا عدم دسترسی به آن ها با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی.

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در خصوص عدم مواظبت و یا عدم صلاحیت والدین است که طفل یا نوجوان تحت حضانت ایشان قرار دارد و خطر صحت جسمی یا روانی کودک و یا اخلاقی وی را تهدید می کند. در این حالت طبق این ماده دادگاه می تواند در صورت درخواست اقربای طفل یا به تقاضای سرپرست او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل لازم بداند اتخاذ نماید. در ماده ۱۱۷۳ مذکور پنج مورد به عنوان موارد عدم مواظبت و یا انحطاط والدین ذکر شده است:

۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛

۲. اشتهار به فساد اخلاقی و فحشاء؛

۳. ابتلا به بیماری های روانی با تشخیص پزشکی قانونی؛

۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و

فحشاء، تکدی گری و قاچاق؛

۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

در تبصره این بند، تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی را منوط به قبول آنان نموده است، ولی باید گفت که در صورت عدم قبول این اشخاص از آنجا که تسلیم به والدین و سرپرست نیز غیر ممکن بود - چون فرض این بند بر عدم امکان تسلیم به والدین و سرپرست بود - لذا قانونگذار باید این فرض را نیز مطرح می کرد که در صورت عدم پذیرش اشخاص بند «ب» تکلیف قاضی اطفال چیست، زیرا استفاده از بندهای «ب» و «ت» و «ث» ماده ۸۸ هر چند برای قاضی اطفال ممکن است، ولی چون این بندها از لحاظ اهمیت در عرض هم و مساوی با یکدیگرند و هیچ کدام بر دیگری اولویتی ندارند لذا با آنکه قاضی اطفال می تواند از هر یک از این بندها استفاده نماید، ولی بهتر این بود که قانونگذار اشخاص بند «ب» را ملزم به

پذیرش اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال مرتکب جرائم تعزیری می‌نمود، زیرا این اشخاص واجد صلاحیت نگهداری از اطفال و نوجوانان بزهکار بودند، لذا تسلیم به این‌ها بیشتر به مصلحت طفل و نوجوان بود تا اعمال بند های سه گانه مذکور (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۴۴)

در تبصره ۳ ماده ۸۸ قانونگذار به قاضی اطفال اجازه تجدید نظر را در تصمیمات اتخاذی مذکور در بندهای «أ» و «ب» ماده یادشده با توجه به گزارش‌های مددکاران اجتماعی و تحقیقات به عمل آمده از وضع طفل و نوجوان بر اساس مصلحت طفل و نوجوان به هر تعداد که بداند می‌دهد که خود حاکی از نگاه حمایتی قانونگذار در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار است.

قانونگذار در ماده ۸۹ در خصوص نوجوانان که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن شان بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است به تناسب بزه ارتکابی و اقتضای سن شان اقدامات و تصمیماتی مناسبی مقرر می‌کند. که از این میان می‌توان به تنوع اقدامات از قبیل جزای نقدی به جای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت اشاره نمود.

در ماده ۹۰ امکان یک بار تجدید نظر با توجه به وضع نوجوان در تصمیمات اتخاذ شده را به قاضی اطفال و نوجوانان می‌دهد البته مشروط بر اینکه حداقل به مقدار یک پنجم از مدت محکوم بها را در کانون گذرانده باشد.

قانونگذار در ماده ۹۱ این قانون با نگاه حمایتی به جرائم موجب حد و قصاص اشخاص زیر ۱۸ سال تمام شمسی نگرسته و در مورد که شبهه‌ای در رشد و کمال عقل آنان وجود داشته باشد یا جاهل بودن آنان نسبت به ماهیت عمل یا حرمت آن احراز گردد در خصوص مجازات قانونی ایشان قائل به تخفیف گردیده و در عوض محکومیت به مجازات های اصلی عمل ارتکابی ایشان، آن‌ها را به اقدامات مقرر در فصل دهم محکوم نموده است. (همان: ۱۴۶)

دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل نوجوان می‌تواند از پزشکی قانونی استمداد جسته یا از هر روش دیگری در این زمینه بهره جوید، چنانچه از تبصره ماده ۹۱ این مطلب قابل درک است. در ماده ۹۴ اختیار تعویق صدور حکم و تعلیق

اجرای مجازات را به دادگاه می‌دهد و در ماده ۹۵ محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان را فاقد آثار کیفری معرفی می‌کند.

آنچه تا به حال گفته شد در خصوص جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان بر اساس قانون مجازات اسلامی ۹۲ بود و نتیجه این شد که اطفال زیر ۹ سال شمسی فاقد مسئولیت کیفری در جرائم تعزیری است و تعیین سن ۹ سال شمسی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری به جهت متابعت از پیمان‌نامه حقوق کودک است، زیرا در پیمان‌نامه یادشده به دولت‌ها توصیه شده است که در قوانین خود یک حداقل را که کمتر از آن طفل قابل تعقیب کیفری نباشد تعیین کنند. (یزدانی‌پور، ۱۳۹۷: ۹۵-۹۴)

اما در خصوص تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون یادشده باید گفت اولاً این تبصره بیانگر یک حکم فرعی است، زیرا اصل ماده ۸۸ درباره جرائم تعزیری است، ولی موضوع این تبصره جرائم مستوجب حد و قصاص است. ثانیاً این تبصره اختصاص به پسران دارد، زیرا بر اساس ماده ۱۴۷ همین قانون، سن بلوغ و مسئولیت کیفری در دختران ۹ سال تمام قمری است، پس دختران از شمول حکم مندرج در این تبصره خارج بوده و در نتیجه تبصره یادشده اختصاص به پسران ۱۲ تا ۱۵ سال قمری دارد که هرگاه این دسته از پسران مرتکب یکی از جرائم مستوجب حد یا قصاص گردند به جای مجازات اصلی جرم به یکی از اقدامات اصلاحی مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم خواهند شد.

۲.۴. سن ۵ مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرائم ۵ مستوجب حد و قصاص

با توجه به مفهوم ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ سن مسئولیت کیفری صغار در جرائم موجب حد و قصاص همان سن بلوغ شرعی یعنی در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است. چرا که منطوق ماده یادشده در راستای حمایت از این قشر مهم جامعه- فرضی را مطرح می‌کند که اگر اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال ماهیت یا حرمت عمل ارتكابی را درک نکرده باشند یا در رشد و کمال عقل آنان شبه و تردید وجود داشته باشد. در این صورت از مجازات که در شرع برای عمل

حرام ارتكابی تعیین شده است معاف خواهند بود و تنها به یک سلسله مجازات‌ها اقدامات تربیتی و اصلاحی محكوم خواهند شد که مفهومش آن است که در غیر این چهار مورد دختران با اتمام سن ۹ سال قمری و پسران با اكمال سن ۱۵ سال قمری در خصوص جرائم مستوجب حد و قصاص به لحاظ کیفری مسئول خواهند بود.

با توجه به اینکه سن مسئولیت کیفری اطفال در اسناد و معاهدات بین‌الملل چنانچه قبلاً بحث شد، ۱۸ سال مقرر گردیده است هر چند با توجه به اختلاف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی جوامع تعیین سن مسئولیت کیفری به حقوق داخلی کشورها واگذار گردیده است، اما تمایل واضعان قوانین بین‌الملل را می‌توان به تعیین سن ۱۸ سالگی جهت رسیدن کودک و نوجوان به سن مسئولیت کیفری به وضوح از لابه‌لای این قوانین مشاهده نمود مخصوصاً در معاهده حقوق کودک که سن طفل زیر ۱۸ سال تبیین شده است، ولی چون منوط به حقوق ملی در این زمینه گردیده است و در عین حال تأکید شده است که این سن نباید به گونه‌ای باشد که باعث تضییع حقوق کودک و نادیده گرفتن منافع کودک باشد.

از مباحث گذشته در خصوص سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قوانین و مقررات جزایی ایران و مقایسه‌اش با معاهدات بین‌الملل می‌توان به این نتیجه رسید که قوانین جمهوری اسلامی ایران در بخش جرائم تعزیری با قوانین بین‌الملل تطابق داشته و به موازات آن‌ها حرکت نموده است.

۵. سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در کود جزای افغانستان

ضروری است قبل از ورود به بحث، تعریف طفل از نظر قانونگذار در قانون جزا (کود جزا) افغانستان مورد اشاره قرار گیرد تا با آگاهی و شناخت نسبت به این مسئله به بحث در خصوص سن مسئولیت کیفری در کود جزا افغانستان پردازیم. بر اساس ماده ۹۵ کود جزا، طفل به کسی گفته می‌شود که به سن ۱۸ سالگی کامل نرسیده باشد. در خصوص حداقل سن مسئولیت کیفری که شخص کمتر از آن قابل تعقیب کیفری نیست، قانونگذار در ماده ۹۶ قانون یادشده چنین مقرر می‌کند: «طفلی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد، مسئولیت جزایی نداشته و دعوای

جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود». بنا براین حداقل سن مسئولیت کیفری در قانون یادشده اتمام ۱۲ سالگی خواهد بود. این در حالی است که در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مقنن سن مذکور را عدم اكمال ۹ سال شمسی قرار داده و اشخاص زیر ۹ سال را مبرای از مسئولیت کیفری قرار داده بود.

بدین جهت قانونگذار افغانستان در کود جزا به اطفال و نوجوانان نسبت به مقنن ایران در قانون مجازات اسلامی ۹۲ نگاه حمایتی تری داشته و نیز اقدام یادشده با قوانین بین‌الملل توافق و تطابق بیشتری دارد.

قانونگذار در کود جزای افغانستان تنها به جرم‌انگاری در خصوص جرائم تعزیری پرداخته و جرائم موجب حد، قصاص و دیه را به فقه حنفی واگذار نموده است، چنانچه ماده ۲ این قانون به آن تصریح نموده است. قانونگذار افغانستان اطفال و نوجوانانی را که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند در قانون یادشده به سه دسته ذیل تقسیم نموده است:

۱. اطفال از بدو تولد تا ۹ سالگی؛ ناگفته نماند این دسته هر چند در قانون به طور صریح بیان نشده است، اما با توجه به دو قسم مذکور در قانون می‌توان این قسم را نیز از آن به دست آورد، زیرا در قانون یادشده اولین دسته از اطفال، رده سنی ۱۲ تا ۱۶ سال معرفی شده است، پس اطفال زیر ۱۲ سال نیز یک دسته مستقل خواهد بود. از آنجا که قانونگذار در این قانون حداقل سن مسئولیت کیفری را ۱۲ سال قرار داده است حکم این معافیت از مجازات خواهد بود چنانچه ماده ۹۶ این قانون نیز بدان تصریح دارد.

۲. اطفال و نوجوانانی که سن ۱۲ سالگی را کامل اما ۱۶ سالگی را تکمیل ننموده‌اند؛ بر اساس ماده ۹۷ کود جزا چنانچه این دسته از اطفال مرتکب جنایت گردند به بیشتر از یک چهارم حداکثر مجازات ارتکاب عین جرم از سوی افراد بزرگتر از ۱۸ سال محکوم نخواهند شد.

۳. اطفال و نوجوانانی که سن ۱۶ سالگی را تکمیل، اما ۱۸ سالگی را تکمیل ننموده‌اند.

طبق ماده ۹۸ قانون یادشده در صورتی که جنایت از سوی این گروه سنی ارتکاب یابد به بیشتر از یک سوم حداکثر مجازات عین جرم از ناحیهٔ افراد بزرگتر از ۱۸ سال محکوم نخواهند شد.

بر اساس ماده ۹۹ این قانون، طفل در تحت هیچ شرایطی به مجازات اعدام، حبس و جزای نقدی محکوم نخواهد شد. در حقیقت قانونگذار در این قانون نگهداری در مرکز اصلاح و تربیت را حبس به حساب نیاورده و مرکز یاد شده را در واقع یک مرکز پرورشی و آموزشی محسوب نموده است نه یک ندامتگاه که برای مجازات افراد مجرم وضع می‌گردد. براساس ماده ۱۱۴ قانون یادشده مجازات اعدام نسبت به اشخاص زیر ۲۰ سال صادر نخواهد شد.

نتیجه:

نتیجهٔ بررسی انطباق و عدم انطباق مسأله سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ۹۲ ایران و کود جزای افغانستان با معیارهای موجود در قوانین و معاهدات بین‌المللی، موارد ذیل می‌باشد:

۱. هر چند قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی در خصوص جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان قائل به مسئولیت تدریجی آنها گردیده، که حاکی از متابعت قانونگذار از مقررات و معاهدات بین‌المللی در موضوع جرائم اطفال و نوجوانان بوده و کاشف از نگاه حمایتی قانونگذار نسبت به اطفال و نوجوانان است، اما موضع قانونگذار در قانون یادشده در خصوص جرائم موجب حد و قصاص اطفال و نوجوانان مبنی بر دفعی بودن مسئولیت کیفری آنها استوار گردیده و نیز از آنجا که قانونگذار در قانون یاد شده برای جرائم مذکور مجازات‌های مقرر در فقه امامیه را مناط کیفرگذاری و پاسخ‌دهی قرار داده است و تعیین این کیفرها در خصوص اطفال و نوجوانان سنگین و شدید بوده و با طبع ظریف و حساس آنها ملائمت نخواهد داشت. علاوه بر اینکه فاقد جنبهٔ حمایتی بوده و با مقررات بین‌المللی در موضوع صغار نیز ناسازگار است.

۲. قانونگذار در فصل دهم قانون مجازات جدید سعی نموده است تا حداکثر تبعیت را از قوانین بین‌المللی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار نماید و بر این

اساس به جای وضع مجازات های شدید و سنگین در برابر تخلفات آنان اقدام به وضع یک عده اقدامات اصلاحی متناسب با وضعیت جسمی و روانی آنان نموده است که نشان دهنده هدف حمایتی و تربیتی قانونگذار نسبت به اطفال و نوجوانان متخلف از قانون است.

۳. قانونگذار افغانستان در قانون مجازات این کشور تحت عنوان کود جزا در خصوص جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان، بدون تفاوت گذاری میان دختر و پسر سن ۱۲ سالگی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین نموده و با این اقدام تا حدی متابعتش را از قوانین و معاهدات بین الملل در این زمینه نشان داده و در راستای پیروی از این قوانین گام برداشته است.

۴. قانونگذار افغانستان در قانون یاد شده، در خصوص جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان، با توجه به شدت و خفت این گونه جرائم یک سلسله تصمیمات و اقدامات تربیتی و اصلاحی را در قبال تخلفات قانونی اطفال و نوجوانان تعیین نموده است و با این شیوه مسئله تدریجی بودن مسئولیت کیفری را پذیرفته است، چنان که با اتخاذ این روش متابعتش را از معاهدات بین الملل نیز به نمایش گذاشته است.

۵. قانونگذار افغانستان در قانون یاد شده سن مسئولیت کیفری در جرائم حدی و قصاص و نیز مجازات این نوع از جرائم را به فقه حنفی واگذار نموده است که چه بسا هم به لحاظ سن مسئولیت کیفری - به دلیل دفعی بودن مسئولیت - و هم از حیث پاسخ های کیفری ممکن است در جهت مصلحت و حمایت از اطفال و نوجوان که بارز ترین هدف مقررات بین الملل است نباشد و در نتیجه از این جهت دارای نقص و کاستی آشکار بوده و با معاهدات بین الملل نیز ناسازگار است.

منابع و مأخذ:

- اتابکی، پرویز (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع کاربردی فرزنان، عربی- فارسی، تهران: نشر فرزنان روز.

- البستانی، فؤاد افرام (بی تا)، المعجم الوسیط، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- بندر ریگی، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ المعجم الوسیط، عربی- فارسی، تهران: انتشارات اسلامی.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالتقلین.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۴ق)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۵ جلد، گنج دانش.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۷ق) منهاج الصالحین، نجف.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲ و ۱۵، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۷)، مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: نشر منتهی/ مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاهی و پلیس پیشگیری ناجا.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۰۹ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: بی نا.
- سامی نبرای، محمد (۱۹۹۵م)، شرح الاحکام العامه لقانون العقوبات اللیبی، لیبی: بن غازی جامعة قار یونس.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۵) بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات مجد.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲) حقوق جزای عمومی بر اساس قانون جدید، ج ۲، چ ۲، تهران: انتشارات مجد.
- عباچی، مریم (۱۳۸۰)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد تهران: مجد.
- عباسی سرمدی، مهدی و عهدیه زنگی اهرمی (۱۳۹۴)، «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین الملل»، نشریه فقه و حقوق خانواده، ش ۶۳.

- فتح الله، احمد (۱۴۱۵)، معجم الفاظ الفقه الجعفری، قم: دارالمرتضی.
- الفیومی المقری، احمد بن محمد (۱۹۸۷م)، المصباح المنیر، بیروت: مکتبه لبنان.
- لويس معلوف (۱۳۶۲)، المنجد فی اللغه و الاعلام، قم: اسماعیلان.
- موسوی الخمینى، سید روح الله (۱۳۶۳)، تحریر الوسيله، قم: بی نا.
- مؤسسہ دائرۃ المعارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام) (۱۴۲۲)، قم: انتشارات یاران.
- نوبهار، زهرا و سمیه اصغرزاده (۱۳۹۳)، علوم اجتماعی، نشریه پژوهش های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده.
- نوربها، رضا (۱۳۸۸)، زمينه حقوق جزای عمومی، چ ۲۵، تهران: گنج دانش / نشر دادآفرین.
- یزدانی پور، اصغر (۱۳۹۷)، مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران: انتشارات جاودانه.
- یزدانی علی آبادی، هما (۱۳۹۱)، تعیین مناسب ترین سن کیفری به لحاظ سیاست جنایی، قم: انتشارات عمار.

